

هزارتوی سرگذشت خواندنی «قرقی»

روزی روزگاری مشهد



موقعیت محله قرقی روی نقشه مشهد

بدیهی بود که این وضعیت، باعث درگیری مداوم اهالی روستا با مهاجمان گوناگون می‌شد. در ایام گسترش ناامنی، مانند برهه تاریخی بین صفویه و افشاریه یا در جریان شورش‌هایی مانند شورش سالار در مشهد که امنیت به شکل وحشتناکی کاهش می‌یافت، مردم قرقی باید برای دفاع از روستاخون‌بهای سنگینی پرداخت می‌کردند. این مقاومت‌های مداوم، از آن‌ها مردمانی سخت‌کوش و مبارز ساخت که حاضر به تمکین در برابر تعدی و ستم نبودند و در ادوار بعدی، این مسئله در تقابل آن‌ها با دست‌اندازی به املاک و اراضی‌شان نمود پیدا کرد.

«قرقی» در اسناد تاریخی

احتمالاً مهم‌ترین مسئله در خورمطالعه درباره قرقی، باعنایت به اسناد موجود، مسئله درگیری‌های مداوم و اختلافات دبرپای اهالی این روستا با مناطق هم‌جوار بر سر محدوده زمین و مسئله آب است. نکته مهمی که نباید در مورد قرقی فراموش شود، محدودیت اراضی موقوفه در این روستاست که آن را از دیگر مزارع و روستاهای هم‌جوارش متمایز می‌کند. طبق گزارش رئیس اداره اوقاف ناحیه ۲ مشهد، در ۲۱ خرداد ۱۴۰۲، تنها ۱۸/۵ درصد اراضی قرقی موقوفه بوده و بقیه مالک خصوصی و دولتی داشته است؛ به همین دلیل در میان مجموعه اسناد آستان قدس رضوی، می‌توان شواهد متعددی مبنی بر اختلافات عمیق میان اهالی این روستا با نواحی هم‌جوارش یافت. قدیمی‌ترین سند در این باره، سندی مربوط به سال ۱۳۰۵ خورشیدی است که در آن شخصی به نام «میرزا طاهر»، گزارشی مبنی بر درگیری بر سر حدود اراضی دیمه‌زار میان اهالی قرقی و نصراباد ارائه کرده است. طبق محتوای این گزارش، اداره امنیه موظف می‌شود که شخصی به نام «سرجوخه مسلم» را به عنوان بازرس به قرقی بفرستد تا در این زمینه تحقیق کند (سند شماره ۶۴۴۴ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

مسئله درگیری میان اهالی قرقی و مستأجر «مزرعه نصراباد» که آن را از آستان قدس رضوی اجاره کرده بود، در سال‌های بعد هم ادامه یافت. مستأجر مزرعه نصراباد در آن دوران، ورثه حاج میرزاهاشم‌کلیددار» بودند (سند شماره ۶۳۷۴۵ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، بالاگرفتن دوباره درگیری، باعث ورود نیروهای نظامی به منطقه شد (سند شماره ۹۵۷۲۶ مرکز اسناد آستان قدس رضوی). در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که انگار وضعیت میان اهالی قرقی و مناطق هم‌جوار، دائماً صورت درگیری و نزاع داشته است؛ اما با نگاه دقیق‌تر به محتوای اسناد، می‌توان به برخی دلایل این حساسیت و اعتراضات دائمی پی برد. در سال ۱۳۱۴ خورشیدی، «غلامحسین جهانگیر»، مأمور جمع‌آوری غله آستان قدس رضوی، در گزارش خود به مقامات بالادستی، به ظلم و تعددی شخصی به نام «میرزاآقا میرشاهی» اشاره می‌کند که مأمور امنیه در منطقه قرقی است و مردم از دست وی به ستوه آمده‌اند (سند شماره ۱۰۰۲۹۶ مرکز اسناد آستان قدس رضوی).

وجود چنین افرادی طبعاً بر دامنه اعتراضات می‌افزود و باعث حساسیت بیشتر مردم به اقدامات حکومت می‌شد؛ به همین دلیل در اسناد دهه ۱۳۲۰ خورشیدی و دوره بعد از سقوط رضاشاه دیگر مواردی از درگیری‌های این جینی مشاهده نمی‌شود.

قدیمی‌ترین رویداد پلیسی در «قرقی»

یکی از اسناد در خورمطالعه در تاریخ قرقی، سندی مربوط به سال ۱۳۴۳ قمری (۱۳۰۳ خورشیدی) است که در آن به گزارش یک قتل در حمام این روستا اشاره شده است. مرتضی‌قلی خان طباطبایی، نایب‌التولیه وقت آستان قدس رضوی، در نامه‌ای به اداره امنیه شرق و استاندارد وقت خراسان، خبر از وقوع قتلی می‌دهد که روستای قرقی را در آستانه یک درگیری شدید با روستای «کنوجرد» قرار داده است. ظاهراً در حمام روستای قرقی، جنازه مقتولی را می‌یابند که به ظن اهالی، توسط تعدادی از اهالی کنوجرد که در روستا حضور داشته‌اند، به قتل رسیده است. اینکه آیا مقتول از اهالی روستای قرقی بوده است یا جای دیگر، دقیقاً معلوم نیست و حتی گزارشی درباره فرجام این پرونده در اختیار نداریم؛ اما به هر حال می‌توان این گزارش را قدیمی‌ترین پرونده پلیسی باقی‌مانده در تاریخ قرقی قلمداد کرد.



میرزا محمد علی‌خان قزوینی، وزیر امور خارجه ایران در دوره قاجار

کنکاشی در وجه تسمیه «قرقی»
درباره نام قرقی اطلاعات چندانی نداریم. می‌دانیم که به این نام، روستای دیگری هم در نزدیکی شاندیز و بیست‌کیلومتری شمال شرقی طریقه وجود دارد. میان این دو روستا فاصله زیادی نیست و این موضوع می‌تواند در کشف راز نام‌گذاری قرقی مؤثر باشد. می‌شود چنین پنداشت که در زمان قدیم، نام قرقی برای مکان‌های خاصی کاربری داشته و شاید نوعی اشاره به واژه «فُرق» بوده است. معمولاً از این واژه برای نشان دادن محدوده‌های شکار یا فضا‌های اختصاصی حکام استفاده می‌شد؛ بنابراین اگر کلمه قرقی را برگرفته از واژه فُرق بدانیم، می‌توان چنین تصور کرد که این منطقه، روزگاری مکان اختصاصی تفرج یا سکونت امرا بوده است. از سوی دیگر، این واژه می‌تواند تغییر شکل یافته واژه یا واژه‌های دیگری باشد؛ واژه‌هایی مانند «قرقی» که پرندهای شکاری و شبیه شاهین است و البته در اطراف مشهد حضور مؤثری ندارد. قدیمی‌ترین سندی که نگارنده این سطور درباره تاریخ و پیشینه قرقی یافت، متن «کتابچه تبادکان» است که در آن به اسامی مزارع و روستاهای این منطقه در دوره ناصرالدین‌شاه اشاره شده است؛ بااین حال، باتوجه به وسعت و شهرت روستای قرقی، چنین به نظر می‌رسد که این نام قدمتی بسیار بیشتر از آنچه می‌پنداریم داشته است و ای بسا به دلیل تغییر تلفظ و شکل کلمه، از کشف راز این نام ناتوان هستیم. نام قرقی (به کسر قاف اول) به قلعه‌ای در افغانستان نیز اطلاق می‌شود که طبق گزارش آرمینیوس وامبری (درگذشته ۱۹۱۳ میلادی) در کتاب «سیاحت درویشی دروغین در خانات آسیای میانه»، در نزدیکی هرات و در مسیر جاده بخارا قرار داشت. این واژه احتمالاً به صورت «قرقین»، هم ضبط شده است؛ چنان‌که بر اساس گزارش «احسن‌التواریخ»، شخصی به نام «امیربابا حسن قرقین» در سال ۸۶۲ قمری والی جرجان بوده است؛ بااین حال، قضاوت درباره ریشه و مفهوم این واژه‌ها چندان ساده نیست و نمی‌توان به صحت آن‌ها اعتماد چندانی کرد.

شرحی مختصر بر جغرافیای تاریخی «قرقی»

«حاج‌لی‌رزم‌آرا» در جلد نهم کتاب «فرهنگ جغرافیای ایران» که آن را در سال ۱۳۲۹ خورشیدی تنظیم کرده است، گزارش مربوط به وضعیت روستای قرقی را چنین شرح می‌دهد: «ده از دهستان تبادکان بخش حومه شهرستان مشهد، سیزده کیلومتری شمال خاوری مشهد، کنار جاده عمومی به شیرشتر، جلگه، معتدل، سکنه ۱۱۵۹ نفر، [مذهب] شیعه، [زبان] فارسی، [آبیاری] قنات، [محصولات] غلات بُنْش، ترپاک، شغل زراعت و مال‌داری، راه اتومبیل‌رو،». اگر این گزارش را در کنار روایت کتابچه تبادکان بگذاریم، بهتر می‌توان درباره پیشینه جغرافیای جمعیتی و کشاورزی قرقی صحبت کرد. در کتابچه تبادکان می‌خوانیم: «قدیم‌النسق است؛ نود خانوار از افشار و تاجیک سکنه دارد، ۱۰ خانوار از افشار است و مایقی تاجیک، یک رشته قنات دارد که باغات و مزروع آن‌ها مشروب می‌شود. طول قنات تقریباً یک فرسنگ است. چهار نفر نوکر سواره از افشار دارد؛ معتدل است.»

با توجه به دو گزارش، نخستین ویژگی جغرافیایی قرقی را باید جمعیت فراوان و وسعت زیاد دانست. امروزه محدوده محلات مربوط به این روستای قدیمی چیزی حدود ۲۷۲ هکتار است که باید آن را به نسبت زیاد بدانیم. در قدیم نیز قرقی را به سه بخش علیا، سفلی و حسین‌آباد تقسیم می‌کردند که همه، حکم یک روستای واحد را داشتند. وجود جمعیت زیاد، نشان‌دهنده ظرفیت بالای کشاورزی و وجود زیرساخت‌های موردنیاز برای سکونت در قرقی است. البته این جمعیت بالا، طبعاً حواشی و مشکلات خاص خودش را هم دارد که در تاریخ قرقی دیده می‌شود و در ادامه به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت. از نظر موقعیت جغرافیایی، طبق نقشه سال ۱۳۴۰ خورشیدی که احمد ماهوان آن را در کتاب «تاریخ مشهد قدیم» آورده است، قرقی از طرف شرق به روستاها و مزارع «نصراباد»، «برقی» و «قصر»، از شمال به «سرتاوس»، از غرب به «فرخ‌د»، «دروی‌شازده» و «شایه» و از جنوب به «کهنه‌گود»، «علی‌آباد» و «دهرود» مرتبط می‌شد.

حکایت قلعه مستحکم «قرقی»

گفتیم که قدیمی‌ترین سند موجود و در دسترس برای مطالعه تاریخ قرقی، فعلاً کتابچه تبادکان است. اما می‌توان شواهد تاریخی نسبتاً درخرا‌تکایی درباره روزگار پیش از عهد ناصری هم یافت؛ به عنوان مثال حضور ۱۰ خانواده از طایفه افشار می‌تواند نشانه‌ای از یک گزارش تاریخی باشد. تنها نیروهای نظامی روستا از این طایفه بودند و به نظر می‌رسد که آن‌ها، به عنوان سکنه جدید وارد قرقی شده باشند. شاید در عصر نادرشاه افشار یا اوایل دوره قاجار، ازسوی دیگر، بقایای دیوار قدیمی دور روستا و باقی‌مانده برجی که مردم محلی به آن «یک‌لنگه» می‌گویند، خبر از وجود بارویی مستحکم در اطراف روستای قرقی می‌دهد. بارویی که احتمالاً در برابر هجوم‌های مکرر تاریخی به این منطقه، از سوی ازبک‌ها و ترکمانان، به خوبی مقاومت می‌کرد و به نوعی، دژ دفاعی شمال مشهد محسوب می‌شد؛ شبیه موقعیتی که روستای آبکوه در غرب مشهد داشت. وجود جمعیت زیاد و مزارع آباد، قرقی را به یک هدف ثابت و مهم برای غارتگری تبدیل می‌کرد و

مرضیه ترابی| تا پیش از دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، مشهدی‌ها کمتر با نام این روستای قدیمی‌اشناخی داشتند؛ فقط اهالی شمال شهر مشهد می‌دانستند قرقی کجاست و نامش را تقریباً به صورت روزانه بر روی مینی‌بوس‌هایی که از مسیر چهارراه مقدم طبرسی (شهید گمنام) به سمت جاده سیمان می‌رفت، به عنوان مکان انتهای مسیر می‌خواندند؛ بااین حال، در دهه ۱۳۸۰ خورشیدی وقتی طرح مسکن مهر به عنوان یک خبر داغ به سرتیترو زنامه‌ها و رسانه‌ها تبدیل شد، نام قرقی هم بر سر زبان‌ها افتاد؛ اراضی قرقی که قرار بود بخشی از ساختمان‌های مسکن مهر در آن ساخته شود، نزدیک‌ترین مکان به مشهد بود و البته محبوب مشهدی‌هایی که برای مسکن مهر ثبت‌نام کرده بودند. طولی نکشید که «شهرک مهرگان» بر روی اراضی شمال روستای قدیمی قرقی کمر راست کرد و وارد تاریخ شهر مشهد شد. اما باز هم قرقی تنها نام یک مکان بود و کسی درباره‌اش چیزی نمی‌دانست. در میان اهالی این روستای قدیمی و پرجمعیت نیز اطلاعات درباره پیشینه روستا چندان زیاد نیست. قصه‌هایی به یادگار مانده از نسل‌های قبل، بخشی از سرگذشت این روستای بزرگ و آباد شمال مشهد را روایت می‌کند؛ روستایی که در سال ۱۳۹۲ خورشیدی به بخشی از مشهد تبدیل شد و حالا در سرنوشت این شهر شریک است. امروز قصد داریم با وجود محدودیت مدارک و اطلاعات، هر آن‌چه می‌توان درباره تاریخ قرقی نوشت، مقابل دیدگان شما قرار دهیم؛ اطلاعاتی که می‌تواند پرده از هویت تاریخی این روستای قدیمی بردارد و از اهمیت راهبردی آن در منطقه تبادکان و شمال شهر مشهد حکایت کند.



چند نما از وضعیت فعلی محله قرقی

یادی از یک خاطره تلخ با دیدن تصویر یک قاتل

ترابی| یادآوری برخی روایت‌های تاریخی چندان خوشایند نیست؛ ماجرای قتل امیرکبیر یکی از همین روایت‌هاست که هیچ ایرانی وطن‌دوستی نمی‌خواهد آن را در ذهنش مرور کند. قتل مردوطن‌خواهی که به قول «جاستین شیل»، کارمندسفارت بریتانیا، مهم‌ترین خصیصه فردی‌اش «وطن‌پرستی» بود، به هر حال در آن شب‌شوم، شب بیستم دی‌ماه سال ۱۲۳۰ خورشیدی، میرزاآقاخان، صدراعظم دوتابعیتی ناصرالدین‌شاه، فرمان‌قتل امیر را از شاه‌قاجار در حال مستی گرفت و همان‌دم به یکی از اطرافیان‌ش به نام علی‌خان فراش‌باشی دستور داد که با سرعت راهی کاشان شود و امیرکبیر را در حمام فین به قتل برساند.

علی‌خان به شتاب راهی کاشان شد، در حالی که نامه‌ای با این مضمون به همراه داشت: «چاکر آستان ملائک پاسبان، فدوی خاص دولت ابدمدت، حاج‌علی‌خان پیشخدمت خاصه، فراش‌باشی دربار سپهر اقتدار مأمور است که به فین کاشان رفته، میرزاتقی‌خان‌فراہانی را راحت نماید و در انجام این مأموریت بین‌الافران مفتخر به مراسم خسروانی مستظهر بوده باشد یعنی به انعام پادشاه امیدوار باشد.»

علی‌خان خبیث برای آنکه مبادا شاه از حکم خود بازگردد و او را راه بازگرداند، شبانه به راه افتاد و به تاخت خود را به کاشان رساند. در این سفر، یک میرغضب و چند سر باز

کشف تاریخ